

نویسنده: بهبانی شانکر نایک «*Bhjabani Shankar Nayak*»
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2024-10-30».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

همکاری هند و چین و پایان دستور کار امپریالیستی QUA

*India -China Cooperation and the End of QUAD's
Imperialist Agenda*



درگیری مرزی بین هند و چین در منطقه هیمالیا به پایان رسیده است و هر دو کشور متعهد به همکاری برای حل و فصل اختلافات مرزی خود هستند. هر دو کشور اذعان دارند که چنین درگیری‌ها مانع از پیشرفت صلح و رفاه در منطقه می‌شوند و موانعی را در راه استقرار جهانی چندقطبی و دموکراتیک کردن ژئوپلیتیک جهانی ایجاد می‌کنند. این دستاورد دیپلماتیک دستور کار بلوک‌های امپریالیستی را که به دنبال تشدید درگیری به یک جنگ تمام عیار بین هند و چین بودند، مختل کرده است و صلح، ثبات و رفاه را در

هر دو کشور و در سراسر جهان تهدید می‌کند. درگیری مرزی هند و چین به عنوان یک کاتالیزور مهم برای احیای نفوذ رو به زوال ناتو از طریق تشویق ایجاد «ناتوی آسیایی» از طریق گفتگوی چهارجانبه امنیتی (QUAD)، متشکل از استرالیا، ژاپن، هند و ایالات متحده عمل کرد. QUAD خود را «نیروی تبلیغاتی» برای صلح و امنیت منطقه می‌بیند. در واقع، QUAD نه برای ترویج صلح در آسیا طراحی شده است و نه برای ترویج مکانیسم‌هایی برای حل و فصل درگیری‌های مرزی دوران استعمار در منطقه. هند به این تلاش مذبحخانه برای ایجاد QUAD کشیده شده است که هدف آن مهار هند و چین است و امکان استثمار مستمر امپریالیستی و نواستعماری از منابع طبیعی و مردم آسیا و در عین حال گسترش کنترل امپریالیستی هژمونیک بر جهان را فراهم می‌کند. بنابراین همکاری هند و چین و از بین رفتن QUAD تحولات مثبتی برای صلح در آسیا و جهان است.

اتحادهای نظامی و امنیتی سه جانبه مانند AUKUS و JAUUKUS، شامل ژاپن، استرالیا، بریتانیا، کبیر و ایالات متحده آمریکا، نه تنها برای مهار چین، بلکه برای مهار هند در آینده نیز در نظر گرفته شده است. مهار چین یک سیاست خاص چین نیست، بلکه استراتژی کشورهای غربی امپریالیستی به رهبری ایالات متحده برای هدف قرار دادن تمام کشورهای پساستعماری است و تلاش آنها برای رهایی از اشکال مختلف استعمار تضعیف می‌شود. بلوک امپریالیستی و استعماری به رهبری این کشورها نسبت به صلح و رفاه در آسیا، آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین تحمل نمی‌کند.

راهبردهای جنگ، درگیری و مهار در هژمونی امپریالیستی و استعماری آنها و بهره برداری از منابع طبیعی و انسانی نقش اساسی دارد. مجتمع نظامی-صنعتی همچنان به عنوان پایه و اساس تمام سرمایه‌گذاری‌های امپریالیستی با هدف حفظ منافع سرمایه‌داری شرکتی در اشکال مختلف آن عمل می‌کند. همکاری و همبستگی انسانی را تضعیف می‌کند و این ارزش‌ها را به نام دموکراسی، دین، فرهنگ، قلمرو و حاکمیت دولت‌های ملی به تضاد تبدیل می‌کند.

ایدئولوژی و ستفالیایی و روایت‌های آن پیرامون منافع ملی سرزمینی در خدمت منافع شرکت‌های تحت رهبری ایالات متحده است. همکاری بین هند و چین باید از منافع ملی محدود سرزمینی دور شود و به جای آن منافع مردم در آن سوی مرزها را در اولویت قرار دهد. این رویکرد می‌تواند جایگزین‌هایی برای سرمایه‌داری نظامی شده ارائه دهد که توسط سلطه اروپا و آمریکا و هژمون‌های غیرحاکم تداوم یافته است. هیچ جایگزینی در استثنائگرایی اروپایی و آمریکایی وجود ندارد. تنها جنگ‌ها و درگیری‌ها را به نام دموکراسی و حقوق بشر تداوم می‌بخشد و در عین حال مردم را به حاشیه می‌برد و آنها را از زندگی آبرومندانه محروم می‌کند.

در چارچوب منافع گسترده‌تر کارگران، همکاری بین هند و چین باید دارای دیدگاهی بین‌المللی باشد که فراتر از حل و فصل اختلافات مرزی است. هدف این سازمان باید ایجاد

مکانیسم‌های بلندمدتی باشد که نهادهای جهانی ضد امپریالیستی و ضد استعماری را ترویج می‌کند تا از دموکراسی‌سازی سیاست بین‌المللی و تحکیم صلح و ثبات جهانی اطمینان حاصل کند. در حالی که قدرت‌های امپریالیستی به جنگ‌ها و درگیری‌ها دامن می‌زنند تا شکست‌های خود را پنهان کنند و سلطه خود را حفظ کنند، مردم در سراسر جهان همچنان رنج می‌برند. کارگران در اروپا و ایالات متحده به طور فزاینده‌ای تأثیرات هژمونی و استثمار امپریالیستی مبتنی بر شرکت‌ها را تجربه می‌کنند.

بنابراین، کشورهای بزرگی مانند هند و چین مسئولیت مشترکی برای همکاری در پیگیری صلح جهانی و رفاه همه کارگران دارند.*

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

بابانی یک اقتصاددان سیاسی است و به عنوان استاد مدیریت بازرگانی کار می‌کند قبل از پیوستن به دانشگاه متروپولیتن لندن، او در دانشگاه‌های ساسکس، گلاسکو، منچستر، یورک و کاونتری کار کرده است .

علاقه تحقیقاتی او شامل چهار برنامه نزدیک به هم مرتبط و هدایت‌کننده متقابل، از جمله اقتصاد سیاسی، مدیریت کسب و کار، هوش مصنوعی و توسعه پایدار است. علاوه بر جنسیت، محیط در جنوب آسیا، بازار، تامین مالی خرد، مذهب، اخلاق، و تجارت اجتماعی، ایمان، آزادی، جهانی شدن و حکومت، مذهب هندو و سرمایه داری .

تحقیقات او عمدتاً بر جنوب جهانی متمرکز است، با تأکید منطقه‌ای بر تأثیرات نئولیبرالیسم بر گذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع بومی و روستایی در جنوب آسیا



بهبانی شانکر نایک

با تقدیم سلامها «2024-11-04»